



آخرین فرصت اوپاما برای عمل به وعده خلع سلاح اتمی دنیا

یک تحلیلگر مسایل بین‌الملل با اشاره به اتمام اعتبار توافق کاهش سلاح‌های هسته‌ای آمریکا و روسیه منعقد در سال 1991 نوشت: امضای توافق‌نامه جدید که به زودی صورت خواهد گرفت آخرین فرصت اوپاما برای عمل به وعده‌های انتخاباتی خود مبنی بر خلع سلاح هسته‌ای جهان است...

یک تحلیلگر مسایل بین‌الملل با اشاره به اتمام اعتبار توافق کاهش سلاح‌های هسته‌ای آمریکا و روسیه منعقد در سال 1991 نوشت: امضای توافق‌نامه جدید که به زودی صورت خواهد گرفت آخرین فرصت اوپاما برای عمل به وعده‌های انتخاباتی خود مبنی بر خلع سلاح هسته‌ای جهان است.

به گزارش فارس "دیوید هافمن" تحلیلگر مسایل بین‌الملل در مقاله‌ای که در نشریه "فارین پالیسی" منتشر شده است، می‌نویسد: رئیس‌جمهور اوپاما تاکنون در مورد صحبت‌هایی که راجع به سلاح‌های اتمی انجام داده، کار خاصی صورت نداده است. چند ماه آینده ممکن است بهترین شانس او برای پیگیری گفته‌هایش باشد.

در مطالعه کتاب خودم تحت عنوان "نفوذ نامطلوب" که در مورد پایان رقابت تسلیحاتی جنگ سرد است، به یادداشتی برخورد کردم که به طرح خلع سلاح هسته‌ای همه کشورهای دنیا می‌پردازد. این طرح از سوی میخائیل گورباچف رئیس‌جمهور شوروی سابق در 15 ژانویه 1986 ارائه شد. براساس این طرح تمامی سلاح‌های هسته‌ای دنیا باید طی سه نوبت تا سال 2000 از بین برده می‌شدند. این طرح بیشتر رویایی بوده و جنبه تبلیغاتی داشت ولی بلافاصله نظر رئیس‌جمهور وقت آمریکا، رونالد ریگان را به خود جلب کرد. زمانی که جورج شوتز، وزیر امور خارجه آمریکا برای بحث در این باره به پیش رئیس‌جمهور خود رفت، ریگان رو به شوتز کرد و از او پرسید: "چرا باید تا پایان قرن منتظر جهانی عاری از سلاح هسته‌ای بمانیم؟"

24 سال پس از پیشنهاد گورباچف، 18 سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و 10 سال پس از پایان مهلت ارائه شده از سوی گورباچف برای خلع سلاح هسته‌ای، هنوز 23 هزار کلاهک هسته‌ای در دنیا وجود دارد.

اکنون باراک اوپاما شانس بسیار خوبی برای پایان بخشیدن به رقابت تسلیحاتی دوران جنگ سرد دارد. تاکنون او صحبت‌ها و اظهارنظرهای بسیاری در این مورد انجام داده و اقدامات بسیار کمی صورت گرفته است. در ماه‌های آینده گفته‌ها و قول‌های او در جریان یک سری اتفاقات و تصمیم‌سازی‌ها مورد آزمایش قرار خواهند گرفت. گزارش وضعیت هسته‌ای آمریکا که اولین گزارش از سال 2001 و سومین گزارش از زمان آغاز جنگ سرد به شمار می‌آید، به زودی به کنگره فرستاده خواهد شد، استراتژی جدیدی برای عقد تفاهم‌نامه کاهش تعداد سلاح‌ها با روسیه در حال تکمیل شدن است. همایش امنیت مواد هسته‌ای در آوریل در واشنگتن برگزار خواهد شد، فشارها برای تصویب معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای بیشتر شده است و کنفرانسی برای بازبینی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در ماه می برگزار می‌شود.

این اقداماتی است که در تقویم به ثبت رسیده است، هیچ چیزی در مورد چالش‌ها و مشکلات هسته‌ای غیر مترقبه‌ای که ممکن است از سوی ایران، کره شمالی، جنوب آسیا و یا هر کشور دیگری بوجود آید، گفته نشده است.

ریاست جمهوری اوپاما به مرحله‌ای رسیده است که باید خواسته‌های خود - که در قالب رقابت انتخاباتی و سخنرانی اخیرش در پراگ اعلام شد - را با جدیت تمام پیگیری کند. اگر اوپاما واقعاً به دنبال نابودی زرادخانه‌های هسته‌ای است، باید با تمام وجود نسبت به اجرای معاهده جدیدی که به امضاء رسانده است، پایبند باشد. البته به نظر می‌رسد که این معاهده برای ریشه‌کنی سلاح‌های اتمی نیست و تنها برای کاهش آنها تنظیم شده است.

* هاله جنگ سرد هرگز از بین نرفته است

وضعیت موجود چندان مناسب نیست. از زمان فروپاشی شوروی، ما همواره در هاله‌ای از جنگ سرد به سر برده‌ایم و فکر می‌کنیم که روزی به این کلاهک‌ها نیاز پیدا خواهیم کرد، پس بهتر است که آنها را نگه داریم. همواره وسوسه شده‌ایم که اوضاع را به حال خود رها کنیم و یا اینکه تغییرات جزئی در آن بوجود آوریم ولی واقعیت این است که روسیه و آمریکا مجهز به هزاران کلاهک هسته‌ای هستند که امروزه و در دنیای مدرن کاربرد عملی ندارند. تهدیدات امروزی بسیار گسترده‌تر، منطقه‌ای‌تر و نامتقارن‌تر از زمان جنگ سرد هستند.

روسیه هم‌اکنون به عنوان کشوری سرمایه‌دار شناخته می‌شود. بدون شک، کرملین طرفدار استبداد شده است ولی چرا رفتار روسیه تغییر کرده است در حالی که موشک‌های آمریکا به سوی مسکو هدف‌گیری شده‌اند؟ تنها پاسخ این است که روسیه نیز موشک‌هایی دارد که آمریکا را هدف گرفته‌اند، بنابراین آمریکایی‌ها نباید سپر و محافظ خود را پائین بگذارند. لذا اگر هر دو طرف از تعداد زرادخانه‌های خود بکاهند، ما می‌توانیم منطق نگهداری سلاح از سوی آنها را مورد سؤال قرار دهیم.

نباید فراموش کنیم که پس از فروپاشی شوروی این آمریکا بود که به آنها پیشنهاد تاسیس بازار چین کالاهای خطرناکی را در مسکو داد. آیا آمریکایی‌ها قصد دارند تا آنها را با موشک‌هایی که مجهز به کلاهک هسته‌ای هستند، هدف قرار دهند؟ البته که نه. هیچ‌کدام از دو طرف نیازمند تهدید یکدیگر بوسیله حمله موشکی نیستند. به این دلیل است که کنترل چنین تسلیحاتی امکانپذیر شده است. ما نیازمند فراهم آوردن جوی هستیم که در آن آمریکا و روسیه بدون نگرانی در مورد فریفته شدن قراردادهایی را منعقد کنند که طبق آنها سلاح‌های اتمی خود را نابود نمایند.

گفته‌های اوپاما همگی در برگرفته این مطلب بوده‌اند. او در سخنرانی خود در پراگ اعلام کرد: "امروزه جنگ سرد به پایان رسیده

است ولی هنوز هزاران هزار سلاح هسته‌ای باقی مانده‌اند. در یک چرخش تاریخی ملاحظه می‌کنیم که احتمال شروع جنگ جهانی هسته‌ای کاملاً کاهش یافته ولی احتمال حمله هسته‌ای افزایش یافته است. " اواما قول داده است تا بدنبال برقراری صلح در دنیا بدون نیاز به سلاح‌های هسته‌ای باشد ولی او هشدار داد: "من یک تازه‌کار نیستم. ما به این هدف در کوتاه مدت و به سرعت دست نخواهیم یافت، این هدف شاید در باقی‌مانده عمر من هم محقق نشود. " او همچنین قول داد تا معاهده‌ای را با روسیه به امضاء برساند که به اندازه کافی التزام آور و محکم باشد.

ولی سؤال اینجاست که آیا تیم اواما این توانایی را دارد تا از عهده این امر خطیر برآید؟ در رقابت‌های انتخاباتی خود او قول داد تا دنیا را امن‌تر کند، موشک‌ها را از حالت آماده‌باش خارج کند. اظهارات دفاعی او در زمان انتخابات اینگونه بود: "ما باید تسلیحات اتمی خود را از حالت آماده به شلیک خارج کنیم ... حفظ جو جنگ سرد در زمان کنونی کاملاً غیرضروری است و ممکن است منجر به شلیک تصادفی یکی از موشک‌های هسته‌ای گردد. من به عنوان رئیس جمهور، به همراه روسیه سعی خواهد کرد تا زمینه‌ای را فراهم آورد که بتوانند سلاح‌های بیشتری را نابود کرده و یا از حالت آماده به شلیک خارج کنند. "

*** اواما وعده‌های انتخاباتی خود برای خلع سلاح هسته‌ای را فراموش کرده است**

یکی از موثرترین گام‌ها برای ایمن‌تر کردن دنیا این است که روسیه و آمریکا به طور همزمان موشک‌های بالستیک خود را از حالت آماده به شلیک درآورند، یا اینکه با چند ساعت و یا چند روز تاخیر قبل از آنکه شلیک شوند این کار را انجام دهند. در ادامه این مقاله می‌خوانیم: ظاهراً اواما قول‌های خود را فراموش کرده است. از زمانی که به ریاست جمهوری رسیده است در این مورد سخنی نگفته است. طبیعتاً، در بین فرماندهان نظامی کسانی بودند که با این قضیه مخالفت می‌کردند. مسئولیت و مأموریت آنها آماده‌باش در هر لحظه است، بنابراین طبیعی است که بخواهند هر آن آماده به شلیک و عمل باشند. آنچه باعث نگرانی است توجه به این مسئله است که به هنگام بحران آماده‌سازی دوباره این تسلیحات می‌تواند موجب بروز ترس و وحشت در دیگران گردد. "ژنرال کوین چیلتون"، رئیس فرماندهی استراتژیک نیروی هوایی آمریکا، در کنفرانسی سال پیش گفت که از تسلیحات کنونی به خوبی محافظت می‌شود، در حالی که تجهیز و آماده کردن دوباره آنها درست مثل این است که "قطعات مختلف اسلحه را از هم جدا کرده و هر یک را به نقطه‌ای از کشور بفرستند و سپس زمانی که در بحران هستید، تصمیم بگیرید که دوباره قطعات را جمع‌آوری کنید. بنابراین باید از خودمان بپرسیم آیا توانایی تامین مالی جمع‌آوری قطعات تسلیحات هسته‌ای را داریم؟ " با تمامی این تفاسیر، برای داشتن جهانی امن‌تر، جدا کردن قطعات این تسلیحات از حالت آماده‌باش بودن آنها بهتر است. اواما باید به فرماندهان ارتشی خود بگوید که به دنبال دستیابی به یک توافق محکم، قابل اعتماد و دو جانبه با روسیه است و پس از آن با اطمینان تمامی سلاح‌های آماده به شلیک خود را از رده خارج کنند. این وظیفه فرماندهان نیست بلکه وظیفه فرمانده ارشد است. فرصت دیگری که اواما برای نشان دادن رهبری خود دارد، جایگزینی معاهده استراتژیک ارتش است. معاهده قبلی در 1991 توسط گورباچف و جورج بوش پدر به امضاء رسید. دسامبر سال گذشته مهلت آن به پایان رسید و به نظر می‌رسد که معاهده جدید در حال تکمیل شدن است. شواهد نشان می‌دهند که هر دو طرف توافق خواهند کرد تا کلاهک‌های هسته‌ای خود را به ترتیب از 1770 و 2200 به 1500 و 1675 کلاهک کاهش دهند و تعداد کلاهک‌های آماده به شلیک نیز از 1600 به 800 خواهد رسید. اگر چه روسیه سعی می‌کند تا برخی از مفاد مداخله جویانه معاهده قبلی را از معاهده جدید حذف کند ولی به نظر می‌رسد که روش‌های جدیدتری را در این معاهده شاهد باشیم. کاهش تعداد کلاهک‌ها و ایجاد فضا و جوی بین دو طرف که امکان نظارت را بوجود آورد بسیار بهتر از این است که اصلاً معاهده‌ای در کار نباشد.

ولی آیا واقعاً این معاهده به اندازه کافی قدرتمند و التزام‌آور هست یا اینکه فقط جنبه تشریفاتی دارد؟ آیا امنیت آمریکا به جای 1500 کلاهک با 600 کلاهک آسیب خواهد دید؟ همچنین، برخی از مسائل فوق‌العاده ضروری در مورد تسلیحات هسته‌ای، مثلاً سئوالات موجود در مورد تسلیحات تاکتیکی و کوتاه برد، در این معاهده مورد اشاره قرار نخواهند گرفت. آمریکا 500 قبضه از انواع این سلاح‌ها را در اختیار دارد که برخی از آنها در اروپاست و روسیه 2050 قبضه در زرادخانه‌های خود انبار کرده است. با توافقی که در 1991 شکل گرفت بسیاری از سلاح‌ها توسط گورباچف و بوش کنار گذاشته شدند ولی هیچ‌گاه و در هیچ معاهده‌ای به کلاس و نوع تسلیحات اشاره نشده است. پس از امضای معاهده جدید نیز همین رویه ادامه خواهد یافت. به نظر می‌رسد که این معاهده به طور کامل بحث در مورد کلاهک‌های موجود در زرادخانه‌ها را نادیده بگیرد. آیا بار دیگر، بخش دیگری از مسئله مهم مربوط به زرادخانه‌های هسته‌ای جنگ سرد باقی خواهد ماند تا نسل آینده برای رویایی با آن به چالش بیافتد؟

*** گزارش وضعیت هسته‌ای آمریکا به زودی منتشر خواهد شد**

با توجه به شرایط سیاسی روسیه، دستیابی به یک معاهده و توافق دیگر در آینده‌ای نزدیک غیرممکن است. این آخرین شانس ما برای سال‌های طولانی خواهد بود.

دولت آمریکا به زودی گزارش مربوط به وضعیت هسته‌ای را منتشر خواهد کرد. این سند به منظور کمک به تعیین نقش نیروهای هسته‌ای در استراتژی نظامی آمریکا تدوین شده است. در دو گزارش قبلی که تا قبل از پایان جنگ سرد تهیه شده بودند، در اوایل ریاست جمهوری کلینتون و بوش، وضعیت هسته‌ای موجود در زمان جنگ سرد به طور کامل تغییر نیافته بود، با این وجود از تعداد زرادخانه‌ها کاسته شده بود.

اواما باید از این فرصت استفاده کرده و خود را از گذشته جدا نموده و سندی را منتشر کند که نشان‌دهنده کاهش تاثیرات سلاح‌های هسته‌ای در سیاست دنیای امروز است. مقامات سابق دولتی و کارشناسان ارشد در نامه‌ای که در 1 فوریه به اواما نوشتند، خواستار

تغییرات اساسی در چند بخش حیاتی و مهم شدند. در میان این درخواست‌ها می‌توان به درخواست کاهش اهداف نگره‌داری سلاح‌های هسته‌ای اشاره کرد تا این سلاح‌ها تنها جنبه بازدارندگی از حمله به آمریکا و متحدانش را داشته باشند. امروزه در سیاست‌های آمریکا در قبال سلاح‌های هسته‌ای با یک نوع ابهام و دوگانگی مواجه هستیم. آنها همچنین خواستار کاهش شدید در تعداد انبارهای هسته‌ای شدند و متذکر شدند که آماده به شلیک نگه داشتن تعداد زیادی سلاح هسته‌ای که تنها در عرض چند دقیقه عمل می‌کنند با هدف کاهش احتمال جنگ در منافات کامل است.

فرصت دیگر اوباما همایش امنیت هسته‌ای در آوریل و در واشنگتن است. انتظار می‌رود تا سران بیش از 40 کشور دنیا در این همایش شرکت کرده و در مورد لزوم مقابله با تروریسم هسته‌ای در طی چهار سال آینده به بحث و گفتگو بپردازند. البته ویژگی چنین همایش‌هایی این است که فقط حرف زده می‌شود و هیچ کار عملی صورت نمی‌گیرد. اوباما تنها می‌تواند دیگران را متقاعد کند که استانداردهای جدیدی وضع کنند که به راحتی قابل اجرا و عملی باشند.

در نهایت، اوباما باید در داخل سیاستی اتخاذ کند که هم در برگیرنده معاهده با روسیه و هم در برگیرنده معاهده منع آزمایش هسته‌ای باشد، معاهده‌ای که در سال 1990 رد شد. آیا رئیس‌جمهور در سال انتخابات سرمایه سیاسی خود را خرج خواهد کرد؟ هفته گذشته جوزف بایدن به سیاست‌های اعمال شده در این زمینه حمله کرد، او از هر دو حزب خواست تا در این زمینه به توافق برسند و بودجه مراکز هسته‌ای، مثلاً آزمایشگاه‌ها را افزایش دهند، بایدن در عین حال به تصویب توافق‌نامه‌ها هم تاکید کرد.

با این وجود، انتظار نمی‌رود که اقدام عملی در این خصوص صورت گیرد. اوباما قدرتمندترین گروه را برای عبور از سال‌های جنگ سرد تشکیل داده است. ولی او ابتدا باید از وضعیت کنونی عبور کند. در غیر این صورت، در سال‌های بعد کس دیگری صحبت‌های او را تکرار خواهد کرد و از این که کارهای عملی و بیشتری در این زمینه صورت نگرفته است، گله خواهد نمود.